

## یادگارهای عمرانی دوره التمش

التمش را یکی از پادشاهان هوشیار، فعال و با ذوق می شمارند او ذوق هنری را با لیاقت نظامی آمیخته بود. در عصر این پادشاه ابنیه و عمارات زیادی در مرکز و ایالات ساخته شد. هر جا حاکم یا افسر نظامی مقرر می شد، همان جا مسجد و مدرسه آباد میگردید (۱) در دهلی عمارات روز بروز افزونی گرفت و این جا از قلعه کوچکی به بزرگترین شهر های ایشیا انکشاف یافت. با وجود این، کارهای بزرگ عمرانی سلطان را عبارت میداند از: (۱) اتمام منار قطب (۲) توسعه مسجد قطب در دهلی کهنه (۳) الحاق سردر به مسجد جمیر (۴) قبر پسر سلطان (۵) روضه و قبر خودش؛ این دو بنای اخیرالذکر در دهلی کهنه واقع است. (۲) منار قطب همچنان که میدانیم در زمان

منار قطب  
 قطب الدین ایبک آغاز شد و با حتمال قوی کار طبقه اول آن در همان وقت تمام گردید. اما بقیه آن را شمس الدین التمش افسر و داماد او، تمام کرد (۳). و آن از دو کتیبه ای که در داخل منار موجود است بخوبی معلوم میشود. در کتیبه اول که روی در ورودی طبقه دوم نقش شده اینطور می نویسند:

امر باتمام هذه العماره الملك الهويد من السماء شمس الحق و الدين التمش السلطاني ناصر امير المؤمنين -

در مدخل طاق نمای بالائی طبقه دوم تنها نام خلیفه را با القاب بزرگ ذکر کرده و علاقه او را با خلفای بغداد بیان می کند:

(۱) سید هاشمی فرید آبادی در تاریخ هند (نشریه انجمن ترقی اردو دهلی) ۱۹۴۲.

(۲) Percy Brown در Indian Architecture (Islamic period) چاپ سوم

(۳) P.B.Roy در The March of India ج ۳ شماره ۶ جون ۱۹۶۱.



«السلطان الاعظم شهنشاه المعظم مالك رقاب الامم مفخر ملوك العرب والعجم  
 ظل الله في العالم شمس الدنيا والدين غياث الاسلام والمسلمين تاج الملوك والولاة  
 باسطا عدل في العالمين علاء الدولة القاهره جلال الملة الباهره المويد من السماء  
 المظفر على الاعداء شهاب سماء الخلافة ناصر العدل ورافه محرز ممالك الدنيا  
 ومظهر كلمة الله العليا ابوالمظفر ايلتمس السلطاني ناصر امير المؤمنين خلد الله  
 ملكه وسلطانه و اعلى امره وشانه»

در طبقه سوم روی در ورودی و یکی از بند های آن نام پادشاه باهمین القاب  
 و اندکی اضافات آمده و مخصوصاً لقب یمنین الخلافة در آن علاوه گردیده.  
 در مدخل طبقه چهارم تعمیر منار قطب به شمس الدین نسبت داده شده است  
 که واضحاً اشتباه است. احتمال دارد که عبارت کتیبه به تعمیر همان طبقه چهارم  
 دلالت کند باین ترتیب:

امر بهذه العماره فی ایام الدولة سلطان الاعظم شهنشاه المعظم مالك رقاب الامم  
 مولی ملوك الترك والعرب والعجم شمس الدنيا والدين معز الاسلام والمسلمين  
 ذوالامن والامان وارث ملك سلیمان ابوالمظفر التمش السلطان ناصر امير المؤمنين (۱)  
 جزئیات هنری منار قطب را قبل از این دیدیم (۲). در زلزله ۱۸۰۳ سقف  
 گنبد مانند منار، افتاد و ستون آن نیز به سختی صدمه دید دو سال بعد میجر  
 سمت را مأمور ترمیم آن کردند، میجر مزبور کار ترمیم منار را در ۱۸۲۸  
 تمام کرد ولی طبقه آخری بحدی باقیه منار بی تناسب معلوم می شد که لاردهار دنج  
 در ۱۸۴۸ امر داد آنرا بر دارند.

سی سال بعد از بنای مسجد قطب

مسجد قوه الاسلام

(قوه الاسلام)، صحن مسجد بطوری کوچک

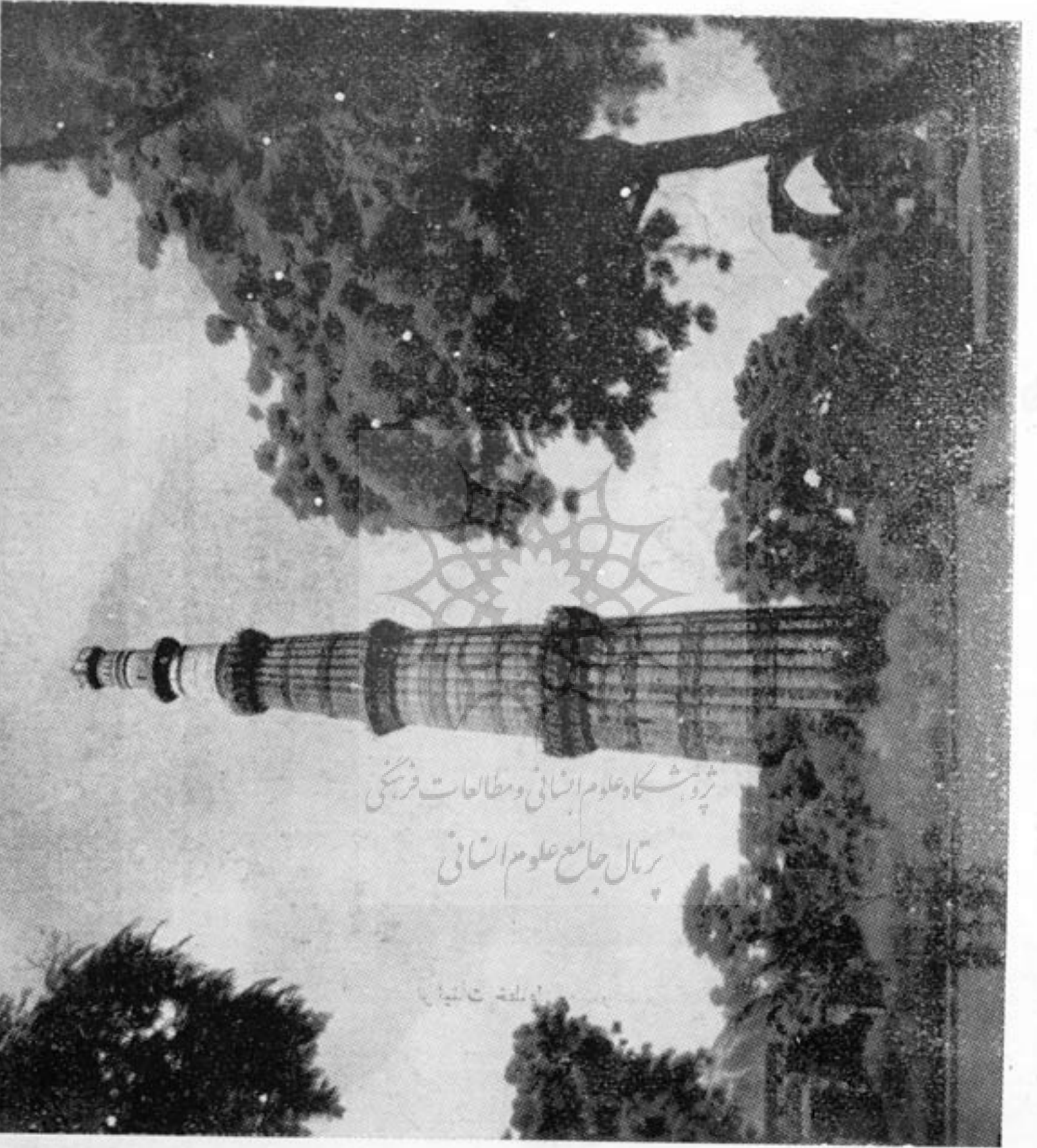
معلوم میشد که شمس الدین مجبور گردید آنرا توسعه دهد و بر آن ملحقاتی

(۱) راجع به کتیبه های منار قطب رجوع کنید به :

Edward Thomas: The Chronicles of The Pathan Kings of Delhi

(۲) صفحه ۹۱-۹۲ همین کتاب





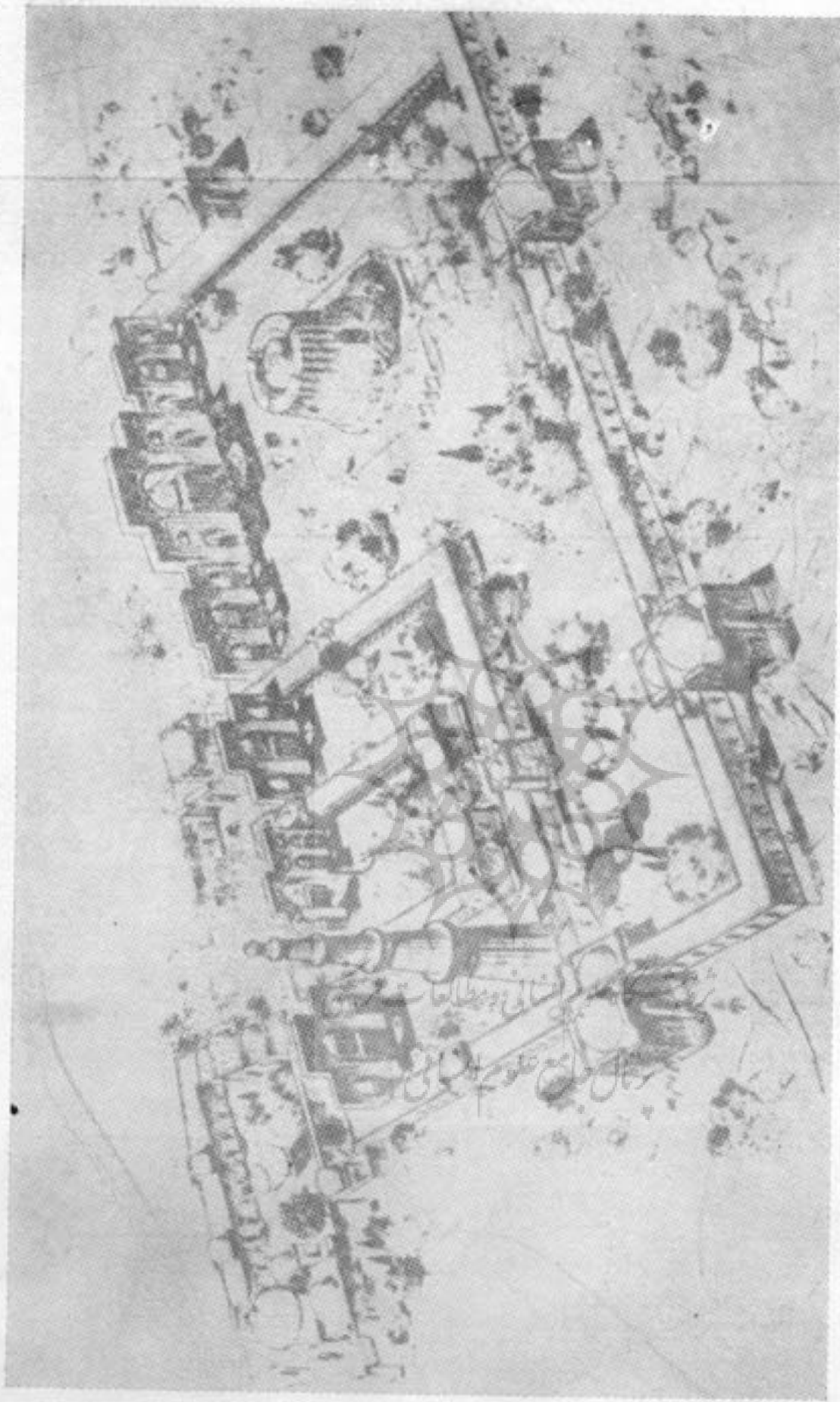
پروفیسر سکاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

اولیٰ صفحہ ۱۰۱



تزیینات خطاطی مینار قطب

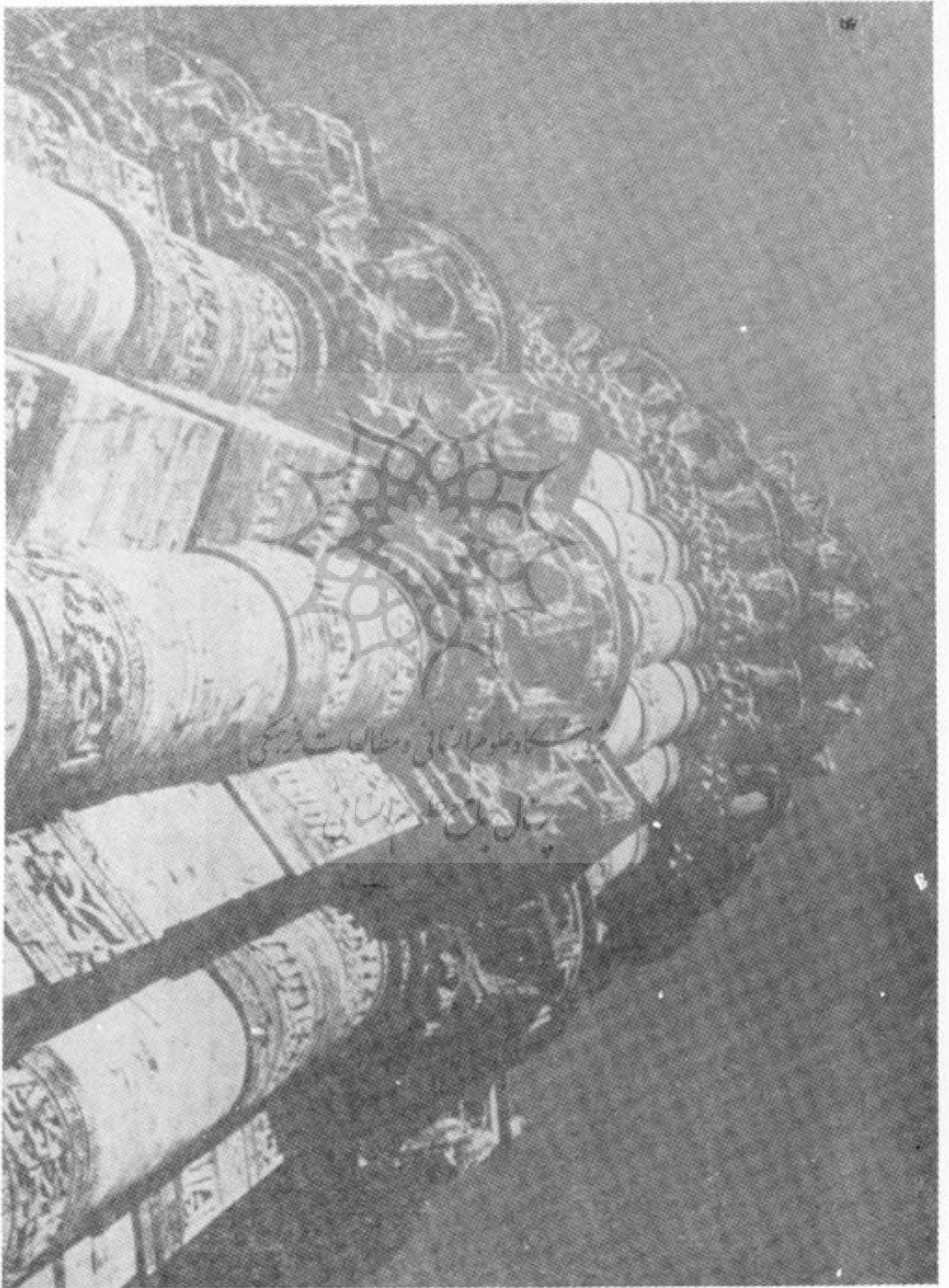




طرح آبادات قطب کدر آن توسعه محوطه اصلی علاءالدین آمده .

طرح توسعه محوطه کدر آن توسط علاءالدین آمده .





بالکونی زیبای منار قطب کہ در آن کمال مہارت ہنری بیخروج رفتہ



بیافزاید ازین جا ما ازدیاد مردم دهلی را در مدت سی سال می توانیم تخمین کنیم (۱) شمس الدین شاید از نظر مذهبی نمی خواست مسجد را یکجا ویران و بجای آن مسجد دیگری آباد کند، ممکن است اصلاً چنین کاری را بیجا میدانست، بنای اصلی مسجد را بحال اول گذاشت و بر آن صحنی افزود، بطوریکه منار قطب الدین ایک در داخل احاطه مسجد آمد، و به هر دو طرف عمارت اصلی مسجد دو جناح علاوه نمود. پس از ملحقات شمس الدین، مسجد دو برابر شد. اضافات شمس الدین جز اینکه وسعت مسجد را بیشتر بسازد از نظر هنر مطلب تازه ای ندارد. اما نظر دقیق تری نشان میدهد که در آثار هنری دوره التمش یک مطلب مشهود است و آن اینکه روح هنری اسلامی در این دوره بیشتر از دوره قبل نفوذ یافته است، حتی میگویند اگر اصل بنا بدست معمار مسلمان ساخته نشده باشد طرح آنرا حتماً استادان اسلامی ریخته است، (۲) ستون و سر ستون و گچ بری هندی هنوز هم در ایوان استعمال می شد ولی در مقصوره که قسمت برجسته ملحقات است، نفوذ هندی بجز از ساختمان واقعی محراب ها محسوس نیست. در مقصوره قطب الدین کتیبه تنها قسمت تزئینات اسلامی محض را تشکیل میدهد. قسمت های دیگر تزئین هندی محض است و اشکال تاثیر آوری را از نظر احساسات هندی محسوس می سازد. در آثار دوره التمش نقاشی های برجسته بیجان و یکنواخت و بدون تنوع معلوم میشود. این نقاشی ها روی سنگ حکاکی شده و پانمونه های معاصر خود در ممالک اسلامی دیگر تفاوت ندارد. ضمناً باید بخاطر داشت که این هنر هر قدر از زیبایی طبیعی کسر داشته باشد در تناسب و اتحاد شکل آنرا جبران میکند.

(۱) بررسی برون در کتاب سابق الذکر چاپ بمبئی ص ۱۲

(۲) Marshall John در The Cambridge History of India ص ۷۷

راهایی دین کاجهو میاره (۱) را یکی از نامدار  
ترین بناهای عصر التمش میداند.

### مسجد اجمیر

و این همان جایی است که قطب الدین ایبک در آن اساس مسجدی را  
گذاشت (۲) مطابق داستانی میگویند قطب الدین این بنا را در دو نیم روز تمام  
کرد و ازین جهت نام آنرا «کلبه دو نیم روز» گذاشتند ولی این نام ظاهراً از  
دوره مریتها باقی مانده است که ما شرح آنرا قبل ازین دیدیم. وجه تسمیه مسجد  
هرچه باشد کاراتمام مسجد حتماً دو نیم سال را در بر گرفته است تا دو نیم روز.  
شمس الدین در مقابل رواق مسجد مقصوره زیبایی افزود. این مقصوره به بزرگی  
مقصوره قطب الدین بود. کنگره های خوش آیند آن واقعاً ابداع تازه ای در هنر  
معماری شمرده میشد. نقاشی های برجسته بنا بسیار زیبا بود استادی و طرز  
کار آن نظیر نداشت ولی با وجود این عظمت و کمال، نمی توانست زیبایی  
مسجد قطب برسد. راست است که در جزئیات هنری این مسجد بسیار دقت شده  
بود و تناسب تزئینات را از نظر ریاضی سنجیده بودند ولی دقت ریاضی نمی تواند  
بنائی را زیبا بسازد. پر کار و خط کش فقدان مهارت هنری را جبران نمی کند  
دومناره (۳) بیجا روی در طاقدار گذاشته شده است، محراب های بی تناسب  
و میدولن های کوچک، قطع بیجای گچ بری های قاعده، همه بر محدودیت  
های طرح کننده بنا دلالت می کند و مهارت تخنیکی معمار را بیشتر از مهارت  
هنری او میرساند (۴)

معذ الک مقصوره اجمیر بهترین نمونه هنری معماری بحساب می آید. هفت طاق  
آن در حدود ۲۰۰ فوت فراخ است. محجر مرکزی ۵۶ فوت ارتفاع دارد

(۱) Arhai-din-ka Jhompra (۲) صفحه ۹۳ همین کتاب.

(۳) کمبرج هتری آف اندیا ص ۵۸۱-۸۲

(۴) کتیبه نا تمامی در قسمت وسط این منارها موجود است به قول جنرال کنتنگ آن

قسمتی که خوانده می شود با این شرح می باشد: سلطان العلاطین المشرق ابوالعزیز  
التمش السلطانی ناصر امیر المؤمنین.



وسنگ کاری آن ۱۲ فوت ضخیم است چون همه پایه‌ها بهم‌تر کیب‌یابد به مقصود عظمت خاص می بخشد. یکی از جزئیات معماری مباحثات مسجد امیر ارزش تاریخی خاص دارد. و آن تخته مستطیل شکلی است در گوشه‌های هر طاق. این جا را برای تعبیه روشنی در داخل مساجد عربستان جا داده بودند این قسمت در همان اوایل اسلام از اجزای عمارت مسجد بحساب می‌آمد اما وقتی پس از قرن‌ها به هند آمد مطلق جنبه تزئینی بخود گرفت. (۱)

شمس‌الدین با ساختن بارگاهی روی قبر

### قبر پسر سلطان

پسرش، ناصرالدین محمد، طرز معماری تازه ای

را به هند وارد کرد. این روضه به فاصله سه میل از دهلی واقع شده. بارگاه با دیواری محاط شده بود، و باین ترتیب بآن صورت مزاری را داده بودند که در آن زنان حرم به فراغ خاطر می‌توانستند مشغول عبادت شوند. این طرز عمارت در شرق عمومیت داشته و حتی از عهد مصری‌های قدیم قبرهائی بامحوطه بجای مانده است. قبر پسر سلطان بزبان مردم محل سلطان غازی نامیده میشود و آن از این جهت است که قبر در اطاق زیر زمینی جا دارد. طرح عمومی عمارت طوری است که در آن مراسم کوچک را می‌توان صورت داد. خلوت برای انجام این مراسم پیشبینی شده بود. بدور محوطه زرهر و سرپوشیده ساخته بودند. سر در بزرگ در قسمت شرقی قرار داشت. در داخل محوطه صحن مربعی است که هر ضلع آن به ۶۶ فوت میرسد. در وسط این صحن سکوی هشت رخی قرار گرفته است. این سکو سقف اطاق قبر را تشکیل میدهد. علائم سکو نشان میدهد که شاید پولیونی روی آن ساخته بودند و سقف آن پوشیده بوده. این پولیون، سقف وستون‌های آن امروز در بین نیست. به سمت شرقی بنام مسجد

(۱) بررسی برون در همانجا. (۲) دانشمند سید یوسف کمال بخاری در مقاله نظری به

تاریخچه شهردهلی، مقبره سلطان غازی می‌نویسد، که شاید اشتباه است. رجوع کنید به اندو ایرانیکا ج ۱۲ شماره ۲، سپتامبر ۱۹۶۰

کوچک اما بسیار زیبا و کامل ساخته شده است. محراب مرکزی این عبادتگاه کوچک با سقف گنبدی پوشانده شده. در بناسبک معماری محراب اسلامی محض است، اما در قسمت‌های دیگر به شمول سقف گنبدی ذوق هنری هندی دخیل می‌باشد. در ستون‌های متناسب راه‌راه دارد در ستون‌های قوسی هنر هندی بخوبی دیده می‌شود.

اندکی قبل از وفات ملک در نزدیکی (۱) ملحقاتی که به

مقبره سلطان

مسجد دهلی افزود بارگای را برای مقبره خود اساس

گذاشت. در این جا عناصر اسلامی نتوانسته است کاملاً بر عناصر هندی نفوذ یابد. از نظر شکل و اندازه این مقبره عظمت خاص ندارد؛ اطاقی است مربع که هر ضلع آن بیشتر از ۳۰ فوت (۲) طول ندارد. قسمت داخلی بنا از سنگی سرخ ساخته شده است و قسمت بیرونی آن از سنگ کوهی خاکستری رنگ. این قسمت را در بعضی جاها با سنگ سرخ تنوع داده‌اند.

بسه طرف مقبره مدخل طاق دارد ساخته شده. طرف چهارم آن یک محراب دارد که به دو پهلوی آن منارهای کوچک دیگر قرار گرفته. در گوشه‌های آن محراب‌های دیگری است که روی آن سقف گنبدی جاداده شده است. این گنبدها در سمت شبا هت دارد با گنبدهای سوریه و مصر و غالباً قسمتی از آن را از چوب ساخته بودند.

مقبره سلطان شمس الدین هر چند در ظاهر بسیار ساده است ولی قسمت داخلی آن تزئینات بسیار عالی دارد. سه مدخل بزرگ آن با آیات قرآن تزئین شده است روی دیوارهای داخلی نیز آیات قرآن نقش شده است. آیات کلام الله را روی این دیوارها به خط نسخ، طغری و کوفی نوشته‌اند. علاوه بر این تزئیناتی از نوع عربی و اشکال هندسی نیز در قسمت داخلی روضه، و صوف دیده می‌شود.

تزئینات این جا بطور واضح اسلامی است. تنها در بعضی از جاهای آن عناصر هندی دیده می‌شود. جای شبهه نیست که معمارانی که برای ساختن عمارات دولتی

(۱) مقبره گوشه جنوب غرب مسجد.

(۲) ۳۰ فوت در قسمت داخلی است. قسمت بیرونی آن را هر سی برون ۲۴ فوت می‌نویسد. ر. ک. ص ۱۵



در این عصر استخدام می شدند، هندی بودند و به ساختن طرح هائی مامور می شدند که بآن کمتر بلد بودند.

علاوه بر این عمارات معروف، جاهای دیگری راهم می شناسیم که بنای آن به شمس الدین التمش منسوب است. و آن عبارت است از حوض شمسی، شمسی عید گاه و جامع مسجد.

راجع به حوض شمسی فرشته از قول قطب الدین بختیار می نویسد: (۱) «در ملفوظ خواجه قطب الدین بختیار رحمة الله علیه که جامع آن شیخ فرید شکر گنج است آورده که سلطان راهوای ساختن حوض در سرافتاد و جهت تعیین نمودن و مناسب دیدن جای آن حوض بخدمت خواجه آمد، و استصواب نمود سلطان به هر سرزمین که میرسید میگذشت تا بجائی که حوض شمسی است رسید و همانجا را اختیار کرد»

ابن بطوطه به روایتی راجع به مخزن آبی در نزدیکی شهر دهلی اشاره می کند باین شرح: (۲) «در بیرون شهر دهلی مخزن آب بسیار بزرگی است منسوب به سلطان شمس الدین التمش که این شهر آب خوراکی خود را از آن استفاده میکنند. این اصطخر در نزدیکی مصلی شهر واقع شده و آب آن از باران فرا هم می آید طول آن در حدود دو میل و عرض آن باندازه نصف طولش میباشد. در جهت غربی اصطخر از طرف مصلی بناهای سنگی دکه مانند بروی هم ساخته شده و زیر هر یکی از دکه ها پله کانی است که تا داخل اصطخر راه دارد. در کنار هر دکه یک گنبد سنگی ساخته شده که در داخل آن برای کسانی که بقصد تفرج می آیند جای نشستن درست کرده اند و در وسط حوض قبه بزرگ دو طبقه ای است که از سنگ ساخته شده و روی آن نقش و نگاری بکار زده اند. وقتی آب اصطخر زیاد است فقط بوسیله زورق ها بقبه مزبور می توان رفت اما در مواقع کم آبی مردم بدون زورق هم بآن میروند. در درون قبه مسجدی است که غالباً درویشان

(۱) تاریخ فرشته، چاپ نول کشور ص ۶۶

(۲) سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، ۱۳۲۷.

زاهد پیشه در آن سکونت دارند هنگامی که آب اطراف این اصطخر خشک می شود  
نیشکر و خیار و کدو و هندوانه و خربزه (که جرماً کو چک و طعماً بسیار شیرین  
است) در آن زمین ها می کارند.

مسجد جامع از نظر معماری بسیار مهم است، زیرا یکی از بزرگترین بناهای  
نوع خودش بشمار می رود. عرض آن در مقابل صفا به ۲۸۸ فت میرسد. چون ترمیم  
های در طول سالها در مسجد بعمل آمده است، مسجد فعلاً ترکیبی از سبک های  
مختلف هنری شده است. یک قرن بعد مسجد مزبور را محمد تغلق ترمیم کرد،  
و چون قسمت هایی از آن به نسبت حریقی صد مه دید اکبر به ترمیم آن پرداخت  
در ترمیمی که در این اواخر بعمل آمد دروازه و مدخل طاق نمای شرقی که با  
مقصود مناظر قطب از حیث سبک هنری و تزئین شباهت نزدیک داشت خراب شد.

بامقبره التمش معماری اندو-اسلامی در دوره غلامان پایان می یابد و در مدت ۶۰  
سال دیگر یعنی سلطنت علاء الدین خلجی بنای عالی که بتوان در تاریخ هنر از آن  
نام برد، بوجود نمی آید. البته مقبره سلطان غیاث الدین بلبن از این حکم مستثنی است  
این مقبره در قسمت جنوب شرقی قلعه رای پتواریه واقع شده. طرح بنا ساده است  
روی قبر اطاقی به شکل مربع ساخته اند و روی آن را با گنبد پوشانده اند مدخل  
طاق نمائی در هر طرف بنا ما را بداخل روضه هدایت می کند. در قسمت شرقی و  
غربی آن دو اطاق کوچک ساخته شده است، که در یکی از آن ها قبر خان شهید  
پسر امپراطور قرار دارد. خان موصوف مقابل حمله مغول بقتل رسیده بود.

متأسفانه مقبره بلبن بطوری خراب شده است که راجع به مزایای هنری آن  
نمی توان بد رستی قضاوت کرد، با وجود این مطلب قابل ملاحظه ای که در این بنا  
می بینیم طاق های آن است. این طاق ها که بر اساس واقعی علمی ساخته شده  
است اختراعی در فن معماری شمرده می شود. از اطاق های مقبره سلطان غیاث الدین  
بلبن معلوم می شود که هنر اسلامی در هند میخواستند خود را از  
نفوذ هندی رهایی بخشند. توجه به سبک اسلامی محض از دوره التمش شروع شد.